

پیامد مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران

علی پارساجو^۱
محمد جوادی پور^۲
حسین زارعیان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۸

امروزه یکی از مهم ترین راه های توسعه کشورها مشارکت فعال مردم است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی پیامد مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران بود. در این تحقیق از روش پژوهش کیفی و راهبرد نظریه پردازی برخاسته از داده ها استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران کل و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون ورزش های همگانی، پیشکسوتان ورزش همگانی و اعضای هیئت علمی بود. نخست از طریق مطالعات اولیه، فهرست مقدماتی نشان های مؤثر شناسایی و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و نظری از ۳۶ نفر مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته به عمل آمد که بعد از مصاحبه با نفر بیست و هفتم اشباع نظری حاصل گردید.

نتایج کدگذاری در مرحله باز نشان داد که ۱۶۵ نشان اولیه و ۲۸ نشان نهایی پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران را تعیین می کنند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، نشان های نهایی در ۱۰ مفهوم و ۵ مقوله اصلی مدیریت جامع ورزش همگانی، ورزش همگانی مردمی، سبک زندگی فعال، ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه قانون در جامعه طبقه بندی شدند که پیشنهاد می شود مدیریت توسعه ورزش همگانی در کشور در راستای دستیابی به پیامدهای یاد شده محقق گردد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، نظریه داده بنیاد، پیامد مشارکت و الگوی مشارکت

مقدمه

مشارکت اجتماعی همواره یکی از مولفه‌های اساسی در سازمان‌دهی فعالیت‌های انسان در حیات اجتماعی بوده است. کنش‌های داوطلبانه و پیونددهنده با رویکرد دگرخواهانه، تاثیر زیادی بر همبستگی و انسجام در جامعه داشته و از این رو، در کانون توجه عالمان علوم اجتماعی بوده است. در دهه‌های اخیر نیز مشارکت اجتماعی در چارچوب نهادمندسازی فعالیت‌های افراد به صورت یکی از شاخص‌های توسعه‌ای مدنظر قرار گرفته است (شکوری، ۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی، وضعیتی است که فرد به طور آگاهانه نسبت به مسائل محیطی، انسانی و هیجانی حیات اجتماعی خود، رفتار مشارکت‌جویانه‌ای را بروز می‌دهد. در واقع مشارکت نوعی احساس همبستگی و پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و جامعه است (فتحی و میرزاپوری و لولوکلا، ۱۳۹۵). زندگی انسان نیز از ابتدای تاریخ با مشارکت همراه بوده است؛ به طوری که بدون آن هیچ‌گونه فعالیت مفید اجتماعی شکل نمی‌گیرد. حضور و شرکت افراد در امور جامعه باعث افزایش احساس یگانگی، سعه صدر و تسامح و تساهل می‌گردد. در نتیجه، نهادهای مدنی و مردم‌سالار تقویت خواهند شد (مظلوم خراسانی و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه یکی از مهم‌ترین راه‌های توسعه کشورها، مشارکت فعال مردم است و دولت‌ها سعی در برطرف کردن موانع مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند (داوری و همکاران، ۱۳۸۹).

ورزش همگانی یک عنوان کلی مورد استفاده برای تشریح دامنه‌ای از سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌ها برای ارتقا و توسعه مشارکت فعال در ورزش درون جامعه است (فرولی^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). خدمات برابر ورزش همگانی، یک اصطلاح عمومی از همه انواع فعالیت‌های بدنی و خدماتی است که رضایت عمومی افراد را برای اجرای ورزش‌های همگانی ایجاد می‌نماید و نیازهای مردم را در همه جنبه‌ها رعایت و مبنای آن مردم-محور بوده، برای هر فرد این خدمات به صورت برابر قابل دسترس است و همه شهروندان از فرصت‌های خدمات برابر ورزش همگانی برخوردارند (لینا و روکسو^۲، ۲۰۱۲). سیاست ورزش همگانی همانا ایجاد شرایط مطلوب برای جمع بسیاری از مردم است؛ به طوری که بتوانند بر حسب علایق خود به طور منظم در فعالیت‌های جسمانی شرکت کنند (رضوی و همکاران، ۱۳۹۳).

با وجود گذشت چند دهه از سیاست ورزش برای همه، هنوز فرصت مشارکت در ورزش به طور نابرابر تقسیم می‌شود و برخی از گروه‌های اجتماعی محروم، دستیابی کمتری به ورزش دارند (واندرمشوان^۳ و همکاران، ۲۰۱۷)؛ چنان‌که آمارها فاصله بسیار وضعیت همگانی شدن ورزش‌های تفریحی بین ایران و دیگر کشورها را نشان می‌دهد (صفاری و همکاران، ۱۳۹۴). ورزش همگانی در جهان با اهداف افزایش مشارکت تمام گروه‌های اجتماعی و فراهم کردن تکثرگرایی در ورزش، تقویت ورزش قهرمانی، توسعه و ارتقای سلامتی و گسترش تفریحات سالم و ورزش تفریحی پایه‌گذاری شده است (وندن درپیش^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). تحقیقات

1. Frawley
2. Lina & Ruixue
3. Vandermeersch
4. Vandendriessche

صورت گرفته، عوامل اجتماعی، سلامتی، امکانات و تسهیلات، عوامل اقتصادی، عوامل شخصی و زمان را به عنوان موانع مشارکت در فعالیت های ورزشی تفریحی (روزبهدانی و همکاران، ۱۳۹۳) و عواملی چون: کسب نشاط و شادابی، تقویت جسم و روان، کسب اعتماد به نفس و داشتن رفتار و اخلاق نیکو را مهم ترین علل و انگیزه های مشارکت در فعالیت های حرکتی و ورزشی معرفی نموده اند (نعمتی بیدگلی، ۱۳۹۵). مشارکت در برنامه های ورزشی اوقات فراغت با سطوح سرمایه اجتماعی افراد در ارتباط است، نه با در دسترس بودن پارک ها و امکانات ورزشی. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی محلی و در دسترس بودن پارک ها در نوجوانان ساکن در یک منطقه شهری با مشارکت ورزشی اوقات فراغت در تعامل است و در دسترس بودن پارک فقط زمانی برای مشارکت ورزشی اوقات فراغت اهمیت پیدا می کند که با سطوح بالاتری از سرمایه اجتماعی محلی بالا همراه باشد. (پرنس^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). عدم مشارکت اجتماعی در بزرگسالان ارتباط مستقیمی با بروز بیماریها در آنها دارد و سطح بالای مشارکت اجتماعی افراد بزرگسال به داشتن سلامت در زندگی شان مربوط می شود. عوامل مختلفی بر مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی تاثیرگذار است (شین^۲ و باربور^۳، ۲۰۱۵) و سطح مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی با افزایش وضعیت اجتماعی و اقتصادی افزایش پیدا می کند و با کاهش دسترسی به اماکن ورزشی کاهش می یابد (ایمی^۴ و همکاران، ۲۰۱۵).

تمدن و پیشرفت روزافزون فناوری های مدرن، پدیده ای به نام «فقر حرکتی» را با خود به همراه آورده که باعث کم تحرکی گردیده و جنبه های مختلف جسمی، روانی و اجتماعی را در بر گرفته است. برون رفت از وضع موجود، نیازمند ابزارهای درخور شایسته ای از جمله ورزشی همگانی به عنوان ابزاری چند بعدی با تأثیرات گسترده بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، کمک به اوقات فراغت سالم و ایجاد نشاط و شادابی است (ویکر^۵ و همکاران، ۲۰۱۲ و ویکر^۶ و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین پژوهش ها نشان می دهند که پرداختن به سطوح پایه ورزش، با احساس مشارکت و انگیزه عمل همراه می باشد که این امر منجر به توسعه ورزش و افزایش سلامت اجتماع می گردد و زمینه افزایش حضور مردم در فضاهای ورزشی، آگاهی آنها نسبت به فرایندهای ورزشی، ارتقای سلامت و تداوم رفتارهای فعال تر را مهیا می سازد (ویلر^۷ و استمتکیز^۸، ۲۰۱۴).

سیاست مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی در راستای توسعه و گسترش ورزش در بین اقشار مختلف جامعه و بهره گیری از مزایای آن در زمینه جبران کاهش تحرک افراد و کمک به افزایش نشاط و سلامتی جسمانی و روانی شهروندان، از اولویت های هر جامعه رو به رشدی است. در کشورهای پیشرفته، ارزان بودن و سهولت دسترسی مردم به امکانات و تجهیزات ورزشی، یکی از دستورات العمل های مدیریتی است و در این میان، تشویق جامعه به ورزش و سرمایه گذاری به منظور به وجود آوردن امکانات و تجهیزات لازم در سطح گسترده برای تمام

1. Prins
2. Qin
3. Barbour
4. Eime
5. Wicker
6. Wicker
7. Weiler
8. Stamatakis

مردم ضروری می باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱). در حال حاضر، به دلیل وجود رویکردهای مختلف در مورد میزان و نحوه پرداختن به فعالیت بدنی، آمار دقیق و قطعی از میزان مشارکت در ورزش همگانی در کشور وجود ندارد، اما کلیه آمار و ارقام موجود، میزان مشارکت را ناکافی نشان می دهند و تأکید مسئولان ورزشی نیز بر این است که ورزش همگانی تا جایی توسعه پیدا کند که در کنار فعالیت های روزمره، به عنوان بخشی از سبک زندگی مردم قرار بگیرد (عرب نر می و همکاران، ۱۳۹۵).

آمار شرکت کنندگان در ورزش همگانی نشان می دهد که وضعیت ورزش همگانی در کشور ایران (۱۹ درصد مشارکت) نسبت به کشورهای پیشرو در ورزش همگانی مانند فنلاند (۸۱ درصد مشارکت)، هلند (۷۷ درصد مشارکت) و آلمان (۷۵ درصد مشارکت) بسیار نامطلوب است (صفاری و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین در مطالعات صورت گرفته پیرامون ورزش همگانی در مورد انگیزه شرکت کنندگان در ورزش همگانی، وضعیت آن در ایران، چالش ها و موانع توسعه و گسترش آن و دیدگاه ها و چشم اندازهای آینده ورزش همگانی از طرف محققان مدل های مختلفی ارائه شده است و هر کدام از منظر خویش گرایش مردم به سمت ورزش همگانی را به تصویر کشیده اند که از این میان می توان به مدل ورزش همگانی صفاری (۱۳۹۱)، مدل توسعه ورزش همگانی و تفریحی در ایران (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۲)، الگوی جذب مردم به ورزش همگانی در استان گیلان (بنار، ۱۳۹۲)، الگوی توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان (سوادی و همکاران، ۱۳۹۶) اشاره نمود. حال سوال این است اگر همه شرایط و زمینه ها به خوبی فراهم شوند، مشارکت اجتماعی مردم در برنامه های ورزش همگانی چگونه خواهد بود. بنابراین، سوال اصلی پژوهش حاضر این است:

- نتایج مشارکت اجتماعی مردم در ورزش همگانی چیست؟
- پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران کدام اند؟

روش شناسی پژوهش

به منظور پاسخگویی به پرسش اصلی تحقیق، از روش گراندد تنوری به شیوه استراس و کوربین^۱ استفاده شد. در این پژوهش از دو روش نمونه گیری نظری و هدفمند بهره گیری شد. از ۳۶ نفر مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته به عمل آمد که بعد از مصاحبه با نفر بیست و هفتم اشباع نظری حاصل گردید. جامعه آماری تحقیق شامل صاحب نظران حیطة ورزش همگانی از سه حوزه علمی، اجرایی و ورزشی بودند. این متخصصان شامل اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی که در مورد ورزش همگانی مقاله یا کتاب داشتند، مدیران و کارشناسان معاونت ورزش همگانی وزرات ورزش و جوانان و فدراسیون ورزش های همگانی و پیشکسوتان ورزش همگانی کشور بودند.

در مرحله اول پژوهش، از طریق مطالعه پیشینه تحقیق و جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای، فهرست مقدماتی کدهای اولیه شناسایی شد. فهرست مقدماتی به عنوان سؤالات مصاحبه و ابزار اولیه جمع آوری داده ها مدنظر قرار گرفت. سپس راهنمای مصاحبه تدوین و محقق پیش از مصاحبه با هر یک از نخبگان آگاه، آن را برای

مصاحبه شوندگان ارسال کرد. در مرحله بعد، مصاحبه‌های کیفی از جامعه آماری به عمل آمد. شایان ذکر است که به منظور ثبت اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، علاوه بر یادداشت برداری، از دستگاه ویژه ضبط صدا نیز استفاده شد. به دلیل رعایت مسائل اخلاقی، پژوهشگر قبل از ضبط هر مصاحبه، از مصاحبه‌شونده اجازه گرفت. مدت زمان مصاحبه‌ها، متفاوت و مکان مصاحبه در محل مورد توافق مصاحبه‌گر و پژوهشگر بوده است.

ارائه یک نظریه برخاسته از داده‌ها، مستلزم جمع‌آوری و تحلیل همزمان و زنجیروار داده‌هاست. پنج مرحله اساسی ولی نه لزوماً پی در پی در مسیر پردازش یافته‌ها طی شد: انتخاب شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم یافته‌ها، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارائه راهبردهای اجرایی. طی فرایند مستمر جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها از طریق مصاحبه و بر اساس ارتباط پیامدهای مشارکت با هم، به تدوین مدل نهایی پرداخته شد. گفتنی است که پژوهشگران در این مصاحبه‌ها به دنبال شناسایی پیامدهای اجرای راهبردهای کنش در زمینه مورد نظر و یافتن مقوله و مسئله محوری در زمینه توسعه ورزش همگانی از طریق مشارکت اجتماعی بودند. در نمونه‌گیری نظری، گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها، اقداماتی هستند که به شدت به یکدیگر وابسته می‌باشند و باید به صورت متناوب انجام گیرند، زیرا تحلیل هم‌زمان، نمونه‌گیری از داده‌ها را هدایت می‌کند.

کدگذاری در این تحقیق به صورت باز و محوری انجام گرفت. در کدگذاری باز، پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده، تلاش می‌کند که مفاهیم پنهانی آن را باز شناسد. در کدگذاری محوری نیز هدف تعیین رابطه بین مقوله‌های ایجادشده در مرحله کدگذاری باز است. بدین ترتیب، پدیده مرکزی شناسایی و تفسیر شرایط علی و راهبردهای حاصله ارائه شد. از آنجا که نظریه‌هایی که در عرصه علوم انسانی و رفتاری ارائه می‌شوند در طول زمان قابل اصلاح و تعدیل‌اند، محققان کیفی به جای واژه روایی و پایایی از واژه‌های دیگر مانند مقبولیت^۱، قابلیت انتقال^۲ و تأییدپذیری^۳ استفاده می‌کنند. مقبولیت به واقعی بودن اشاره دارد و پیتی و پارکر^۴ (۲۰۰۹) روش‌هایی را برای افزایش مقبولیت تحقیق پیشنهاد کردند که شامل منابع متعدد، تحلیل‌گران متعدد و روش‌های مشابه است. انتقال‌پذیری نتایج پژوهش، بیانگر تعمیم‌پذیری نتایج حاصل به سایر گروه‌ها و محیط‌های مشابه است. هرچند این امر خارج از توانایی پژوهشگر کیفی است، اما می‌توان با استخراج و ارائه حداکثری داده‌ها (تا حد ممکن) تا حدودی این بخش از روایی تحقیق را نیز تأمین کرد- در این پژوهش با مرور متعدد مصاحبه‌ها و استخراج حداکثری و غیرتکراری مطالب سعی بر اجرای این توصیه شد. تأییدپذیری نتایج پژوهش کیفی هنگامی تحقق می‌یابد که سایر محققان بتوانند به روشنی مسیر تحقیق و اقدام‌های انجام گرفته توسط محقق را دنبال کنند.

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Pitney & Parker

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش با استفاده از تحلیل همزمان فرایند کدگذاری، هنگام و پس از مصاحبه‌ها به دست آمد. در ادامه بخشی از یک مصاحبه و نتایج کدگذاری‌ها به تفکیک ارائه می‌شود.

«به عینه معلوم است که با توسعه ورزش همگانی در جامعه و شرکت همگی در این بحث، تحرک در افراد بیشتر شده و افزایش تحرک در مردم به سلامتی آنها کمک کرده و کمتر شاهد مراجعه مردم به بیمارستان‌ها خواهیم بود. مردمی که به طور منظم فعالیت بدنی دارند، مردمی بانشاط هستند و کمتر به مسائل و مشکلات اجتماعی فکر می‌کنند و سعی دارند از زندگی خود لذت ببرند.» (مصاحبه یازدهم)

در مرحله کدگذاری باز، داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق، نام‌گذاری و مقوله‌بندی می‌شود. در این کدگذاری داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد می‌شوند. برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌ها به دقت بررسی می‌شوند و سوالاتی درباره پدیده‌ها که داده‌ها حاکی از آن اند، مطرح می‌گردد. لذا محقق در ابتدا محتوای کلیه مصاحبه‌ها را پیاده‌سازی و سپس کدگذاری باز آنها را انجام داد. نتایج جدول ۱ حاکی از آن است که ۱۶۵ نشان اولیه می‌تواند پیامد مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران را تبیین کنند که سپس این نشان‌ها در ۲۸ نشان نهایی طبقه‌بندی شدند.

جدول ۱: نتایج حاصل از کدگذاری باز پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران

نشان‌های اولیه	نشان‌های نهایی
<ul style="list-style-type: none"> • سلامتی جسمانی جامعه • کاهش هزینه پزشکی جامعه • کاهش مصرف دارو در جامعه • بررسی مشکلات ساختار قامتی و اصلاح آن • کاهش ریسک فاکتورهای قلبی در مردم جامعه 	سلامتی و بهداشت جسمانی جامعه
<ul style="list-style-type: none"> • سلامتی روانی جامعه • کاهش هزینه روان درمانی جامعه • ثبات و استحکام خانواده • شاد بودن اعضای خانواده در کنار یکدیگر • ایجاد شور و نشاط اجتماعی 	بهداشت روانی و اجتماعی جامعه
<ul style="list-style-type: none"> • پیوند بیشتر مردم با هم • گسترش ارتباطات اجتماعی • توسعه مفید شبکه‌های اجتماعی • ارتباطات اجتماعی گسترده بین مردم ایران • پیوندهای بیشتر غیر رسمی بین افراد • وجود گروه‌های رسمی زیاد در داخل سازمان در زمینه ورزش همگانی • شرکت خانوادگی در ورزش • از تنهایی درآمدن مردم به خصوص بزرگسالان 	افزایش ارتباطات اجتماعی

<ul style="list-style-type: none"> ● انجام سریع امورات اجتماعی ● تقویت شوراهای محلی شهر و روستا ● انجام بهتر امورات ● افزایش مسئولیت پذیری افراد جامعه ● مردمی توانمند برای انجام کارهای شخصی 	پیگیری بهتر امورات اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> ● بهبود عملکرد و نظارت مردم بر عملکرد شوراها ● نظارت بهتر مردم بر بخش ورزش 	نظارت عمومی بر عملکرد ورزش همگانی
<ul style="list-style-type: none"> ● احترام به داوری های اجتماعی ● بهبود وضعیت حقوقی ورزش همگانی ● افراد ورزشکار، افراد سالم و ایمن ● مشارکت مردم در تدوین آیین نامه ها و قوانین ورزش همگانی 	توسعه قانون در جامعه
<ul style="list-style-type: none"> ● خصوصی سازی ورزش ● کاهش هزینه دولت در بخش ورزش ● کاهش هزینه های ساخت و سازهای ورزشی 	گسترش خصوصی سازی در جامعه
<ul style="list-style-type: none"> ● توسعه ورزش قهرمانی ● توسعه ورزش تربیتی ● مدیریت صحیح اوقات فراغت ● استفاده بهینه از فضاها و ورزشی موجود ● استعدادیابی ورزشی ● عملکرد بهتر کانون های ورزش همگانی ● پلسخگو بودن سازمان های ورزشی و شفاف سازی ● انجام امورات با هزینه کمتر و سرعت بالاتر ● هدفمند بودن کانون های ورزش همگانی ● عملکرد خوب مسئولان ورزش همگانی 	مدیریت اصولی ورزش در کشور
<ul style="list-style-type: none"> ● تشکیل نهاد ورزش همگانی ● ساماندهی مردم در کانون های ورزش همگانی ● ورود شرکت کنندگان جدید ● تقویت کانون های ورزشی محلات ● حضور عینی مردم در ورزش همگانی ● کاهش حضور ذهنی مردم در ورزش همگانی ● جایگزینی حداکثری مردم در گروه ها و کانون های ورزش همگانی ● شرکت پایدار و مداوم مردم در کانون های ورزش همگانی ● ورود افراد زیادی به امر ورزش ● توسعه ورزش در پارک ها ● توسعه ورزش همگانی در نهادهای اجتماعی ● توسعه ورزش در بین کارکنان سازمان ها و ادارات 	گسترش کانون ها و نهادهای ورزش همگانی در کشور
<ul style="list-style-type: none"> ● مطالبه در توزیع امکانات ورزشی در سطح شهری ● دسترسی آسان افراد به مکان های ورزشی ● دسترسی آسان طبقات اجتماعی به اماکن ورزشی مناسب ● سابقه زیاد ساکن شدن در محله ● همدمی بالای افراد یک محله ● افزایش احساس تعلق شهری ● کاهش آلودگی هوا از طریق ورزش همگانی 	مدیریت صحیح شهری

ادامه جدول ۱: نتایج حاصل از کدگذاری باز پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران

نشان‌های اولیه	نشان‌های نهایی
<ul style="list-style-type: none"> ● اجرای دموکراسی در کانون های ورزش همگانی ● توسعه مشارکت اجتماعی، توسعه مشارکت سیاسی مردم 	<p>سیاست اصولی دولت در ورزش همگانی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● همدلی بیشتر مردم با هم ● جلب اعتماد مردم ● ارتقا و برند شدن باشگاه های ورزش همگانی ● کاهش درگیری های اجتماعی ● بالارفتن اعتماد بین مردمی ● بالا رفتن اعتماد بین مردم و مسئولان کانون های ورزشی ● بالا رفتن اعتماد بین مردم و سازمان های ورزشی ● ایجاد همدلی و همبستگی بین اقشار مختلف مردم ● تمرکز زدایی از امکانات ورزشی ● توسعه مطلوب اماکن ورزشی و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه ● بالا رفتن اعتماد بین فردی در افراد اجتماع 	<p>افزایش اعتماد و عدالت اجتماعی در کشور</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● جلب نظر سیاست مداران به کانون های ورزشی ● استفاده از وجود افراد دارای قدرت سیاسی در کانون های ورزش همگانی ● اعتماد مردم به سیاست مداران 	<p>توسعه مشارکت سیاسی مردم</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● افزایش سرمایه اجتماعی جامعه ● بهبود سرمایه اجتماعی کشور ● محبوبیت قهرمانان در بین مردم ● افزایش نوآوری در زمینه مشارکت اجتماعی در بین مردم ایران ● بهبود حضور مردم در امورات خیرخواهانه ● بهبود عزت نفس مردم جامعه ● جایگاه بالای اجتماعی دوستان ورزشکار ● احترام به افراد دارای سابقه ورزشی 	<p>افزایش سرمایه اجتماعی جامعه</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● هزینه صحیح در ورزش ● افزایش رضایت مردم از بخش ورزش ● کاهش نرخ اعتیاد ● افزایش رفاه ورزشکاران ● بالا رفتن سطح نشاط و شادابی جامعه ● گردش مالی زیاد در ورزش و بهبود درآمد ● بهبود وضعیت تفریح و لذت مردم 	<p>بالا رفتن کیفیت زندگی عموم</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● بهبود وضعیت ورزشی روستاها و عشایران ● توسعه و حفظ و نگهداری بازی های بومی و محلی 	<p>شناسایی و توسعه بازی های بومی و محلی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● توسعه جشنواره ها و همایش های ورزش همگانی ● توسعه جشنواره های روستایی و بومی- محلی ● توسعه مسابقات ورزش همگانی ● گسترش مدال آوری در سطح بین الملل 	<p>ساماندهی و توسعه جشنواره ها و همایش ها</p>

ادامه جدول ۱: نتایج حاصل از کدگذاری باز پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران

نشان‌های اولیه	نشان‌های نهایی
<ul style="list-style-type: none"> توسعه رشته‌های ورزش همگانی افزایش نوآوری و خلاقیت در زمینه ورزش همگانی بهبود وضعیت زنگ ورزش مدارس افزایش کارایی و اثربخشی باشگاه‌های ورزش همگانی افزایش رقابت باشگاه‌ها کاهش آسیب دیدگی در ورزش همگانی 	بهبود کیفیت رشته‌های ورزش همگانی
<ul style="list-style-type: none"> بهبود سواد حرکتی مردم محیط ورزشی تمیز، پاکیزگی محیط شهری ایجاد کانون ورزشی پارک-محور، حفظ گسترده محیط زیست بالا رفتن آگاهی‌های اجتماعی اطلاع داشتن از حق اجتماعی به نام ورزش افزایش آگاهی‌های اجتماعی مردم عدم دخالت وضعیت تاهل افراد بر مشارکت ورزشی آنها عدم دخالت جنسیت افراد بر مشارکت ورزشی آنها عالم شدن مردم مبنی بر چونگی عملکرد تقدیر در زندگی کیفیت آگاهی‌های اجتماعی افراد کاهش تعلقات قومی و قبیله‌ای و نژادی تعاملات اجتماعی، بهبود سواد علمی جامعه 	بالا رفتن آگاهی‌های اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> گسترش شغل مربیگری ورزش همگانی کشف و راه‌اندازی موقعیت‌های جدید برای توسعه ورزش همگانی بهبود موقعیت اقتصادی مردم بهبود کسب و کارهای ورزشی توسعه حمایت مالی از ورزش همگانی توسعه کسب و کارهای تولیدات ورزشی داخلی گسترش بازاریابی ورزش همگانی کاهش هزینه‌های توسعه ورزش همگانی راه‌اندازی رشته‌های جدید در ورزش همگانی بهبود سهم ورزش از درآمد ناخالص ملی توسعه ورزش همگانی مناطق مختلف جغرافیایی ارتقای صنعت ورزش کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی بهبود اقتصاد ورزش و کاهش نرخ بیکاری در جامعه ایجاد شغل‌های جدید 	کارآفرینی و بازاریابی ورزش همگانی
<ul style="list-style-type: none"> توسعه گسترده فضاهای ورزش همگانی افزایش سرانه ورزشی کشور افزایش سرانه ورزشی افزایش تعداد و کیفیت پیست‌های دوچرخه‌سواری عمومی 	توسعه امکانات و تجهیزات ورزش همگانی
<ul style="list-style-type: none"> توسعه گردشگری ورزشی داخلی ورود گردشگر ورزشی خارجی گسترش شرکت در برنامه‌های ورزشی و توسعه حمل و نقل عمومی فراهم شدن زمینه ورزش در وضعیت آب و هوایی مختلف فراهم شدن زمینه ورزش در فصول مختلف سال 	توسعه گردشگری ورزشی

ادامه جدول ۱: نتایج حاصل از کدگذاری باز پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران

نشان‌های اولیه	نشان‌های نهایی
<ul style="list-style-type: none"> توسعه کانون‌های ورزش همگانی و توسعه رسانه‌های اجتماعی پرداختن بیشتر رسانه‌های گروهی به بحث ورزش همگانی 	توسعه جامع رسانه‌های گروهی
<ul style="list-style-type: none"> افزایش وفاداری نیروهای داوطلبی ساماندهی نیروی داوطلبی ورزشی توسعه امورات داوطلبی برای امورات خیرخواهانه دیگر حفظ نیروهای داوطلبی افزایش انگیزه نیروهای داوطلبی 	توسعه فرهنگ داوطلبی در جامعه
<ul style="list-style-type: none"> داشتن اطلاعات کامل از میزان مشارکت مردم در ورزش همگانی داشتن اطلاعات محلی افراد برای استفاده در مواقع دیگر آگاهی خوب باشگاه‌ها از شرکت‌کنندگان شناسایی نیازهای مردم و نیازسنجی ورزشی محلات 	توسعه سیستم آمار و اطلاعات ورزش همگانی
<ul style="list-style-type: none"> ورود مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان مملکتی انتخاب مسئولان ورزش همگانی توسط خود مردم به صورت غیر مستقیم اتخاذ تصمیم‌های مردم پسند افزایش اعتماد به نفس در افراد جامعه ارتباط صمیمی مردم با مسئولان ورزش همگانی حق انتخاب نوع ورزش و مکان ورزش همگانی و خدمات کانون‌های ورزش همگانی 	جهت‌دهی ورزش همگانی توسط عموم مردم
<ul style="list-style-type: none"> عوض شدن فرهنگ مردم در مورد ورزش بانوان نگاه اجتماعی مثبت به برنامه ورزش همگانی توسعه ورزش بانوان جولوگیری از ناهنجاری و بداخلاقی در حوزه ورزش کاهش استفاده از مواد نپروزا و دوپینگ کاهش بزهکاری اجتماعی 	بهبود مسائل فرهنگی و اجتماعی ورزش همگانی
<ul style="list-style-type: none"> تحول در وضعیت تعلیم و تربیت مشارکت‌جویانه افراد تحول در برنامه ورزش مدارس 	بهبود وضعیت آموزش و تعلیم و تربیت

در مرحله پس از فرایند کدگذاری باز، فرایند کدگذاری محوری صورت گرفت. کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده‌بنیاد به روش استراس و کوربین است. هدف از این مرحله، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. در حالی که کدگذاری باز، داده‌ها را به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌کند، کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیر مقوله‌های آنها را با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آن‌ها به یکدیگر مرتبط می‌سازد. (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در طی فرایند کدگذاری محوری، محققان از ابزارهای تحلیلی پرسیدن سوال و مقایسه دائمی و نظری بین مقوله‌ها، مقوله‌های فرعی و مشخصه‌های آنها که در کدگذاری باز ظاهر شده‌اند، استفاده کردند تا روابط بین مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی را توسعه دهند. در نتیجه نشان‌های نهایی در ۱۰ مفهوم طبقه‌بندی شدند و از این میان، ۵ مقوله نهایی پدید آمد که در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: کدگذاری محوری یافته‌های تحقیق

مقوله‌ها	مفاهیم	نشان‌ها
پیامد سبک زندگی فعال	ارتقای کیفیت زندگی مردم	<ul style="list-style-type: none"> سلامتی و بهداشت جسمانی جامعه بهداشت روانی و اجتماعی جامعه بالا رفتن کیفیت زندگی عموم
	توسعه آگاهی‌های اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> بالا رفتن آگاهی‌های اجتماعی توسعه جامع رسانه‌های گروهی بهبود وضعیت آموزش و تعلیم و تربیت
پیامد مدیریت جامع ورزش همگانی کشور	توسعه سازمان‌های ورزش همگانی کشور	<ul style="list-style-type: none"> گسترش کانون‌ها و نهادهای ورزش همگانی در کشور بهبود کیفیت رشته‌های ورزش همگانی توسعه امکانات و تجهیزات ورزش همگانی
	مدیریت اصولی ورزش در کشور	<ul style="list-style-type: none"> مدیریت اصولی ورزش در کشور توسعه سیستم آمار و اطلاعات ورزش همگانی
ارتقای جایگاه بازی‌های بومی و محلی	ارتقای جایگاه بازی‌های بومی و محلی	<ul style="list-style-type: none"> ساماندهی و توسعه جشنواره‌ها و همایش‌ها شناسایی و توسعه بازی‌های بومی و محلی
	ارتقای سرمایه اجتماعی جامعه	<ul style="list-style-type: none"> بهبود مسائل فرهنگی و اجتماعی ورزش همگانی توسعه مشارکت سیاسی مردم افزایش سرمایه اجتماعی جامعه
ارتقای سرمایه اجتماعی	بهبود مشارکت مردمی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش اعتماد و عدالت اجتماعی در کشور افزایش ارتباطات اجتماعی پیگیری بهتر امورات اجتماعی
	توسعه قانون در جامعه	<ul style="list-style-type: none"> توسعه قانون در جامعه مدیریت صحیح شهری سیاست اصولی دولت در ورزش همگانی
پیامد ورزش همگانی مردمی	عدم تمرکز دولت در بخش ورزش	<ul style="list-style-type: none"> گسترش خصوصی سازی در جامعه توسعه گردشگری ورزشی کارآفرینی و بازاریابی ورزش همگانی
	ورزش برای همه توسط مردم	<ul style="list-style-type: none"> نظارت عمومی بر عملکرد ورزش همگانی جهت‌دهی ورزش همگانی توسط عموم مردم توسعه فرهنگ داوطلبی در جامعه

کدگذاری گزینشی یا انتخابی، کدگذاری محوری را در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله، شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود و محقق بیشتر در نقش نویسنده ای ظاهر می‌شود که بر اساس مقولات، نوشته‌های کدگذاری، یادداشت‌های نظری، شبکه‌ها و دیاگرام‌ها عمل می‌کند. جهت‌گیری کدگذاری گزینشی به سمت یکپارچه کردن مقولات مختلف در شکل یک طرح تئوریکی کلان است (جونز و نوبل^۱، ۲۰۰۷). در نهایت با یافتن رابطه‌نهایی بین مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری محوری، الگوی نظری زیر شامل مدیریت جامع ورزش همگانی، ورزش همگانی مردمی، سبک زندگی فعال،

1. Jones & Nobel

ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه قانون در جامعه، با در نظر گرفتن مقولات، بیشترین تا کمترین درصد فراوانی نوشته‌های کدگذاری و نظرات خبرگان و تاکیدات مصاحبه شوندگان و نظر محققان تدوین شد (شکل ۲). پس از تدوین مدل برای افزایش اعتبار آن، مدل نهایی در اختیار خبرگانی قرار گرفت که هم با ورزش همگانی آشنایی داشتند و هم روش کیفی را می‌شناختند. از این خبرگان خواسته شد تا نظرهای خود را در مورد فرایند تدوین و مدل نهایی ارائه دهند. بیشتر آنها مدل را تأیید کردند و بعضی از آنها نظرهای اصلاحی داشتند که در فرایندی رفت و برگشت، اصلاحات اعمال و نظر نهایی آنها دریافت شد.



شکل ۱: الگوی نظری پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران

بحث و نتیجه‌گیری

از دیدگاه «شورای ورزش همگانی اروپا»^۱، ورزش همگانی یعنی فعالیت‌های بدنی آزاد، داوطلبانه و اختیاری که در اوقات فراغت به انجام می‌رسد، امکان پرداختن به آن برای همگان وجود دارد و هدف از آن رقابت و پیروزی نیست، بلکه هدف پرداختن به چنین ورزش‌هایی، تفریح، توسعه و به‌سازی انسان‌ها می‌باشد (جوادی‌پور و سمیع‌نیا، ۱۳۹۲). هدف اصلی این تحقیق، شناسایی پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران بود. از این رو با توجه به یافته‌های تحقیق، این عوامل در مراحل کدگذاری شناسایی، خلاصه و تحلیل شد که در انتها به استخراج مدلی در تحقیق منجر گردید. بر اساس یافته‌های کدگذاری باز در تحلیل مصاحبه‌های کیفی، ۱۶۵ نشان مرتبط با نتایج و پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران شناسایی شد که با توجه به تحلیل این عوامل، نشان‌ها بر اساس نزدیکی مفهومی شناسایی شدند و ۲۸ نشان نهایی طبقه‌بندی شدند. در ادامه تلخیص و تحلیل یافته‌ها، مفاهیم مرتبط و نزدیک به هم با کدگذاری محوری در یکدیگر تلفیق شد و در نهایت ۱۰ مفهوم و ۵ مقوله اصلی شامل مدیریت جامع ورزش همگانی، ورزش

1. European Sport for All

همگانی مردمی، سبک زندگی فعال، ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه قانون در جامعه تدوین شد. با پیشرفت روزافزون علم و فناوری، مدیریت و برنامه‌ریزی نقش مؤثری در سازمان‌های اجتماعی و اجرایی یافته است (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۲) و مقوله تربیت بدنی و ورزش به عنوان یک تشکیلات گسترده و در عین حال پیچیده نیاز به مدیریت کارآمد در سطوح مختلف را دارد. توسعه ورزش همگانی در کشور نیز نیازمند سازمان‌های کارا و اثربخش است که در راستای مشارکت مردم و همسو با جامعه در گسترش اصولی ورزش همگانی بکوشند. بنابراین پیامد مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی، توسعه سازمان‌های ورزشی پویا و دانش-محور است که اصولاً غیردولتی هستند و تصمیم‌گیری، هدایت، نظارت و امور اجرایی آن مستقیم یا غیر مستقیم در دست مردم است و تصمیم‌گیرنده اصلی آنها در واقع خود مردم به شمار می‌آیند. عراقی و کاشف (۱۳۹۳) کمبود امکانات، عدم آگاهی ورزشی، نبود مربیان متخصص و مشکلات اقتصادی را عمده‌ترین چالش توسعه ورزش همگانی در ایران دانسته‌اند که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی ندارد. هر چند چالش مورد نظر ریشه در مدیریت ناصحیح ورزش همگانی دارد و از منظری دیگر می‌توان گفت که پیامد مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی می‌تواند این چالش‌ها را مدیریت نماید. عیدی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی و تحلیل چالش‌های ورزش همگانی پرداختند و نشان دادند که چالش‌های اساسی در این حوزه شامل چگونگی مشارکت دولت‌ها در ورزش، تاکید بر ورزش قهرمانی در مقابل ورزش همگانی و روند توسعه ورزش از سطح بالا به پایین (الگوبرداری نوجوانان و جوانان از قهرمانان ورزشی از طریق رسانه) جامعه را شامل می‌شود. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق حاضر از این لحاظ همخوانی دارد که اگر مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی اتفاق بیفتد، بزرگترین چالش مورد نظر یعنی چگونگی مشارکت دولت‌ها در ورزش همگانی رفع می‌شود و مدیریتی مردمی و غیردولتی در ورزش همگانی حاکم خواهد گردید. همچنین مهدی‌زاده و اندام (۱۳۹۳) مسائل سازمانی و مدیریتی را در اولویت اول راهکارهای توسعه ورزش همگانی دانسته‌اند که با یافته‌های این تحقیق سازگار است، چرا که این تحقیق نیز مسائل مدیریتی ورزش همگانی را در اولویت قرار داده است. آصفی و همکاران (۱۳۹۳) و کشگر و سلیمانی (۱۳۹۱) نیز بیان نموده‌اند که افزایش امکانات ورزشی باعث افزایش مشارکت جامعه در ورزش همگانی خواهد شد. بنابراین توجه مسئولان امر در فراهم نمودن زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزش همگانی برای توسعه ورزش همگانی در نواحی مختلف کشور و بهره‌گیری از مشارکت مردم در این امر، از موارد لازم می‌باشد و باعث مشارکت حداکثری مردم می‌شود. توسعه ورزش همگانی مخصوص یک جا و یک گروه خاص نیست و همان‌طور که از این اصطلاح بر می‌آید، ورزش برای همه اقشار جامعه با هر رنگ و نژاد، هر وضعیت اقتصادی و... است (آصفی و اسدی دستجردی، ۱۳۹۵). یکی دیگر از پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی، سوق ورزش همگانی به سمت مردمی بودن و فاصله گرفتن از بخش دولتی است. هر چند تاکنون تلاش‌های گوناگونی برای کاهش تصدی‌گری دولت در بخش‌های مختلف از جمله ورزش صورت گرفته است، اما این تلاش‌ها تاکنون به طور کامل موفقیت‌آمیز نبوده و شاهد این هستیم که ورزش در کشور ایران اصولاً توسط بخش دولتی هدایت و کنترل می‌شود. صفاری و قره (۱۳۹۵) در تحقیق خود نشان دادند که مهمترین عوامل محیطی شامل محیط اجتماعی است و تدوین

برنامه‌های آتی بر اساس بافت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای همگانی شدن ورزش در ایران فراهم کند که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. همچنین، شمسی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود نشان دادند تأثیر متغیرهای خانواده، دوستان و همسالان با مشارکت ورزشی جوانان دارای رابطه معناداری می‌باشد که با توجه به اینکه مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی از طریق خانواده‌ها صورت می‌گیرد، با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. شهبازی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود از میان راهکارهای مربوط به نیروی انسانی، دو راهکار بهره‌گیری از نیروهای داوطلب در توسعه ورزش همگانی و تربیت کارشناسان و مدیران حرفه‌ای در ورزش همگانی را در اولویت دانسته‌اند که با یافته‌های تحقیق حاضر سازگار می‌باشد. بنابراین در برنامه‌ریزی درازمدت برای توسعه مشارکت اجتماعی باید عوامل انسانی و مسائل مختلف اجتماعی در اولویت توجه قرار گیرد و کار فرهنگی در این زمینه انجام شود تا نیروی انسانی آمادگی مشارکت در این امر را داشته باشد و از پیامدهای مشارکت اجتماعی، مردمی شدن ورزش همگانی در کشور باشد. یکی از پیامدهای مشارکت اجتماعی واقعی در ورزش همگانی کشور ایران، سوق ورزش همگانی به سمت خصوصی شدن و رهایی از دولتی بودن خواهد بود که در نتیجه شاهد رشد و شکوفایی گردشگری ورزشی در کشور خواهیم بود. همچنین با سودآور بودن ورزش همگانی در کشور، بازاریابی و کارآفرینی در این بخش رونق می‌یابد و به صنعتی مهم در کشور تبدیل خواهد شد. بدیهی است که این امر از طریق نظارت مردمی بر تمام حوزه‌های ورزش همگانی و در دست گرفتن امور اجرایی ورزش همگانی توسط نیروهای داوطلبی و جهت‌دهی برنامه‌های ورزش همگانی کشور توسط مردم خواهد بود. بهتر است خدمات عمومی ورزشی در جامعه در جهت خصوصی سازی پیش برود و ورزش همگانی نیز به عنوان یک خدمت عمومی شناخته شود؛ چنان که حق هر شهروندی در جامعه دسترسی آسان، ارزان قیمت و با کیفیت به آن است. پس وضع قوانینی در ایجاد حمایت و پشتیبانی از متولیان خصوصی و مشارکت مردم یک محله در همه ابعاد توسعه‌ای ورزش همگانی به صورت تعاونی، می‌تواند در توسعه برنامه مشارکت مردم در غیردولتی نمودن ورزش همگانی اهمیت داشته باشد.

یکی دیگر از پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی، تغییر سبک زندگی مردم از شیوه غیر فعال به سمت فعال و پر تحرک است. شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی، مهمترین رکن توسعه‌ای در گسترش ورزش همگانی هستند و اهمیت دادن به بهداشت و سلامتی آنها در همه موارد می‌تواند با اهمیت‌ترین راهبرد مدیران جامعه در توسعه ورزش همگانی به شمار آید. افزایش دانش و آگاهی مردم در موارد بهداشتی، سلامتی و ورزشی، زمینه توسعه مشارکت آنها را فراهم می‌نماید. امروزه با توجه به گسترش رسانه‌های گروهی و توسعه اطلاعات و دانش افراد جامعه در موارد گوناگون، زمینه برای توسعه ورزش همگانی مساعدتر شده است. یافته‌های جدید علمی پیرامون نقش ورزش همگانی در سلامتی جسمانی و روانی و توصیه به ورزش و تحرک از طرف متولیان سلامت جسمانی و روانی جامعه، زمینه را برای توجه عمومی به ورزش همگانی مساعد نموده است. همچنین نوع تعلیم و تربیت افراد از زمان کودکی و پرداختن به ورزش و بازی‌های دوران کودکی، می‌تواند شرایط را برای سوق افراد به سمت داشتن زندگی فعال در بزرگسالی مهیا نماید. در راستای توجه به ابعاد بهداشتی

ورزش، مگن^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، فلویید^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، شین^۳ و باربور^۴ (۲۰۱۵) نشان دادند که مشارکت اجتماعی بخصوص مشارکت در فعالیت های بدنی با سلامتی و بهداشت افراد جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد که با یافته های این تحقیق همخوانی دارد. قره و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی نشان دادند رسانه ها با توجه به قدرتی که در جذب توده مخاطبان و مشارکت در فرآیند شکل دهی افکار عمومی دارند، می توانند نقش درخور ملاحظه ای در افزایش مشارکت مردم در ورزش های تفریحی داشته باشند. بنابراین توسعه وسایل ارتباطی جمعی که به توسعه ارتباطات اجتماعی و در نتیجه بهبود مشارکت اجتماعی در افراد جامعه منجر گردیده است می تواند به عنوان پتانسیل توسعه مشارکت اجتماعی در همه زمینه های اجتماعی از جمله ورزش همگانی باشد. آیمیو^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی به توسعه یک مدل مفهومی اطلاع رسانی سلامت از طریق ورزش پرداختند. در این مدل مفهومی که بهداشت از طریق ورزش ارائه شده، دسته بندی اولیه از سه گروه اصلی جسمی، روانی و اجتماعی تشکیل گردیده و ریشه اصلی این مدل بر اساس مدل محیط زیستی اجتماعی خوب تعیین شده است و نشان می دهد که مشارکت ورزشی منحصرا توسط عوامل فردی- اجتماعی (سطح خرد) تعیین نمی شود، بلکه عوامل زیربنایی مانند در دسترس بودن امکانات ورزشی و برنامه های ورزشی (سطح کلان) نیز می توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. بنابراین یکی از پیامدهای توسعه مشارکت در ورزش همگانی، توسعه زیرساخت ها و داشتن محیط زیست اجتماعی خوب می باشد که با یافته های تحقیق حاضر همخوانی دارد.

ورزش به نوعی موجب افزایش روابط اجتماعی افراد می شود و سرمایه گذاری در ورزش موجب افزایش هویت ملی، غرور ملی، توسعه و یکپارچگی اجتماعی و جلوگیری از جرم و جنایت و افزایش سطح تحصیلات و منافع اقتصادی می گردد (کلی بال^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). سرمایه اجتماعی به عنوان محصول نوع خاصی از کنش جمعی می تواند مولد کارکردهای اجتماعی مورد انتظار باشد. کنش ها و مشارکت های داوطلبانه و جمعی منتهی به تولید سرمایه اجتماعی است (پاک سرشت، ۱۳۹۳). از پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی، می توان به ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه اشاره نمود. سرمایه اجتماعی، مفهومی مهم در کنش ها و روابط اجتماعی به شمار می آید که شخص از طریق برقراری ارتباط با دیگران به این نوع سرمایه دست پیدا می کند (ترپتی و همکاران^۷، ۲۰۱۲). باشگاه های ورزش محلی، یکی از مؤلفه های مهم شبکه های اجتماعی رسمی و غیررسمی هستند که ایجاد، گسترش و حفظ سرمایه اجتماعی را پشتیبانی می کنند. باشگاه های ورزشی مبتنی بر اجتماع محلی (ورزش همگانی)، فرصت هایی را برای افراد جامعه فراهم می آورند تا گرد هم جمع شوند و آنها را قادر می سازد تا به واسطه سازوکارهای رسمی و غیررسمی ورزش با شبکه های اجتماعی گسترده تر مرتبط و درگیر شوند (کاسکلی^۸، ۲۰۰۸). یافته های تحقیق عابدینی و طالبی (۱۳۹۶) نشان می دهد که عوامل

1. Meghan
2. Floud
3. Qin
4. Barbour
5. Eime
6. Kylie Ball
7. Trepte
8. Cuskelly

اجتماعی- فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه مثبتی دارد. همچنین صفاری و قره (۱۳۹۵) نشان دادند که محیط اجتماعی مهم ترین مؤلفه محیطی است و تدوین برنامه های آتی بر اساس بافت اجتماعی، شیوه زندگی، گروه های همسن و تهیه و تدارک امنیت اجتماعی در پیرامون اماکن و فضاهای ورزشی تفریحی می تواند زمینه ای مناسب برای همگانی شدن ورزش در ایران را فراهم کند. بنابراین مشاهده می شود با توسعه ورزش همگانی در جامعه، مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا می کند که این نیز به نوبه خود باعث بهبود سرمایه اجتماعی در آن محیط می شود.

فلسفه ورزش همگانی، تشویق شهروندان به ورزش و فعالیت های فیزیکی است و نیز پیامی برای سیاست گذاران دارد تا از موقعیت خود برای پیشبرد این هدف و فراهم آوردن فرصت برای مشارکت عموم افراد استفاده کنند (امان، ۲۰۰۹). امروزه توسعه ورزش به عنوان یک سیاست عمومی بر دیگر مباحث سیاسی دولت ها برتری گرفته است و اغلب کشورهای پیشرفته جهان در برنامه ریزی ها و سازماندهی ورزش همگانی خود با دیگر کشورها رقابت می کنند و به طور مرتب در حال ارائه برنامه های خلاق برای رشد این ورزش هستند (سیدعامری و قربان بردی، ۱۳۹۱). از دیگر پیامدهای مشارکت اجتماعی در جامعه، توسعه قانون پذیری در افراد جامعه و بهبود حقوق شهروندی و سیاست بهینه دولت در امر توسعه ورزش همگانی است، چرا که امروزه ورزش همگانی به عنوان یک حق شهروندی مطرح است و مردم می توانند به عنوان یک حقوق اجتماعی از دولت مردان مطالبه کنند و این گویای این امر است که دولت ها نیز باید در کشور ایران این حق را بپذیرند و خود را آماده ارائه سرویس های خدماتی ورزش همگانی برای آحاد جامعه بکنند. شهبازی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود از بین راهکارهای مربوط به ساختار تشکیلاتی و وضع قوانین و مقررات، مشخص کردن شرح وظایف تمام سازمان ها و نهادهای دست اندرکار ورزش همگانی و اتحاد و یکپارچگی بین سازمان های دست اندرکار ورزش همگانی در کشور را دارای اولویت دانسته اند. ایبرت^۱ و اسمیت^۲ (۲۰۱۰) بیان می کنند که ایجاد انگیزه در افراد برای مشارکت فعال در فعالیت های بدنی با توجه به اثرات سودمند آن بر سلامتی، بخشی از دستور کار سیاست های بهداشتی کشور اسکاتلند باید باشد. بنابراین توجه به سلامتی مردم باید در زمره سیاست های اصولی دولت ها قرار گیرد و این امر جز از طریق ایجاد قوانین و دستورالعمل های لازم محقق نخواهد شد.

به طور کلی نتایج تحقیق نشان داد که پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی ایران در زمینه ها و بسترهای خاصی صورت خواهد گرفت و ابعاد مختلفی را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. بنابراین عوامل مختلفی باید مهیا گردند تا شاهد رشد و شکوفایی و همه گیر شدن ورزش همگانی در کشور ایران باشیم. در این میان، توجه جدی به حضور و مشارکت مردم در همه امورات مربوط به توسعه ورزش همگانی یک حقیقت اجتناب ناپذیر است، چرا که بدون حضور مردم، مشارکتی در کارها صورت نمی گیرد و توسعه ورزش همگانی عقیم خواهد ماند.

1. Eberth

2. Smith

ورزش همگانی باید به سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری مانند آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی، برنامه‌ریزی شهری و کشوری، محیط زیست و اوقات فراغت پیوند بخورد و به عنوان عامل مهم فرهنگی - اجتماعی در رشد انسانی مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- در مورد فوائد ورزش و تحرک بدنی در بین جامعه اطلاع‌رسانی گسترده‌ای صورت بگیرد تا پرداختن به ورزش همگانی در سبب زندگی خانوار قرار گیرد.
- مدیریت منسجم ورزش همگانی در کشور ایجاد شود تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود در بخش دولتی کشور و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی به توسعه مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی بپردازد.
- برای این که شاهد پیامدهای خوب مشارکت اجتماعی در ورزش همگانی کشور باشیم، باید توجه دست‌اندرکاران امر ورزش همگانی به فراهم نمودن بسترهای ورود مردم در جهت مدیریت، سازماندهی، نظارت و کنترل ورزش همگانی در تمامی ابعاد مدیریت ورزش همگانی کشور فراهم شود.

منابع

- آصفی، احمدعلی؛ خبیری، محمد؛ اسدی دستجردی، حسن و گودرزی، محمود. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل سازمانی موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران». پژوهش نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۱۰، شماره ۲۰. صص ۶۳-۷۶.
- آصفی، احمدعلی و اسدی دستجردی، حسن. (۱۳۹۵). «بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائه راهکارهای کاربردی توسعه آن». مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۶، صص ۸۲۳-۸۴۴.
- پاک‌سرشت، سلیمان. (۱۳۹۳). «ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی». مجله راهبرد فرهنگ. شماره ۲۵، صص ۷۱-۱۰۴.
- فتحی، سروش و میرزاپوری ولوکلا، جابر. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر مشارکت اجتماعی». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۸۷-۱۰۰.
- جوادی پور، محمد و سمیع نیا، مونا. (۱۳۹۲). «تبیین موقعیت راهبردی و ارائه استراتژی توسعه ورزش همگانی در ایران». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. دوره ۳، شماره ۵، صص ۱۵-۲۸.
- جوادی پور، محمد؛ قویدل سرکندی، مژده و سمیع نیا، مونا. (۱۳۹۲). «ارائه چارچوب نظری و طراحی الگو برای توسعه ورزش همگانی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۱، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- رضوی، سیدمحمدحسین؛ نیازی، سید محمد و پرومند، محمدرضا. (۱۳۹۳). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی شهر مشهد با استفاده از دیدگاه علمی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال سوم، شماره ۱، صص ۴۹-۶۰.
- داوری، کوروش؛ شجاعی مقدم، امیررضا و رضوی مطلق، زهرا سادات. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین روش‌های جلب مشارکت با انجام فعالیت‌های داوطلبانه در بین داوطلبان جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۹». نشریه امداد و نجات. دوره ۲، شماره ۴، صص ۴۶-۵۱.
- روزبهانی، محبوبه؛ کامکاری، کتابون و میرزاپور، علی اکبر. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل موثر بر موانع مشارکت زنان سالمند در فعالیت‌های ورزشی تفریحی استان البرز». مطالعات مبانی مدیریت در ورزش. سال ۱، شماره ۲، صص ۳۳-۴۲.
- سوادی، مهدی؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ قلی‌زاده، محمدحسن و گوهررستمی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). «طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان». دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. دوره ۶، شماره ۲، صص ۸۶-۱۰۱.
- سیدعامری، حسن و آلتی قربان بردی، محمد. (۱۳۹۱). «تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی (مطالعه موردی: ارومیه)». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. سال دوم، شماره ۴، صص ۲۳-۳۴.
- شکوری، علی. (۱۳۹۰). «مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی، با تأکید بر ایران». چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- شمسعی، عبدالحمید؛ سلطان حسینی، محمد و روحانی، میثم. (۱۳۹۴). «تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۸، صص ۷۱-۸۸.
- شهبازی، مهدی؛ شعبانی مقدم، کیوان و صفاری، مریم. (۱۳۹۲). «ورزش همگانی (ضرورت، موانع و راهکارها)». فصلنامه مجلس و راهبرد. سال بیستم، شماره ۷۶، صص ۶۹-۹۷.
- صفاری، مرجان و قره، محمدعلی. (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل محیطی مؤثر بر همگانی شدن ورزش‌های

- تفریحی ایران». مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۱-۶۸.
- صفاری، مرجان؛ احسانی، محمد و مجتبی امیری. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر ورزش همگانی ایران با کاربرد مدل یابی معادلات ساختاری». دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. شماره ۹، صص ۹۴-۸۳.
 - قاسمی، حمید؛ تجاری، فرشاد؛ بروجردی علوی، مهدخت؛ امامی، حسین و امیری، مریم. (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای دیدگاه‌های رؤسای سازمان تربیت بدنی درباره مؤلفه‌های ورزش از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۱۳، صص ۱۳۷-۱۵۲.
 - قره، محمدعلی؛ صفاری، مرجان و نیری، شهرزاد. (۱۳۹۵). «بازپردازی کارکردهای رسانه ملی جهت توسعه ورزش‌های تفریحی: ارائه راهبردها و راهکارها». دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ششم، چهاردهم پیاپی، شماره ۱۱، نوبت بهار و تابستان، صص ۶۳-۷۶.
 - کشگر، سارا و سلیمانی، مجتبی. (۱۳۹۱). «نقش برنامه خصوصی سازی بر توسعه ورزش‌های همگانی از دیدگاه کارشناسان». پژوهش‌های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش. شماره ۲، صص ۹۹-۱۰۴.
 - عابدینی، صمد و طالبی، شیدا. (۱۳۹۶). «عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال». جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۲۸، شماره ۱، شماره پیاپی ۶۵، صص ۱۴۴-۱۳۱.
 - عرب نرمی، بتول؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله و خیرری، محمد. (۱۳۹۵). «تولیزبون و توسعه ورزش همگانی: یک نظریه برخاسته از داده‌ها». مطالعات مدیریت ورزشی. نوبت ۸، شماره ۴۰، صص ۱۷-۳۸.
 - عراقی، محسن و کاشف، میرمحمد. (۱۳۹۳). «چالش‌های پیش روی توسعه ورزش همگانی در ایران و راهبردهای آن». مدیریت ورزشی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۶۴۳-۶۵۵.
 - عیدی، حسین؛ رضوانی‌نژاد، رحیم و عباسی، همایون. (۱۳۹۰). «چالش‌های ورزش همگانی و تفریحات سالم در مقابل ورزش نخبه در ایران و جهان». همایش ملی تفریحات ورزشی. آذر ماه، تهران.
 - مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن و خلیفه، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷». جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۳، شماره پیاپی ۴۵، شماره اول، صص ۵۰-۸۰.
 - مهدی‌زاده، رحیمه و اندام، رضا. (۱۳۹۳). «راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۲، صص ۱۵-۳۸.
 - نعمتی بیدگلی، جواد. (۱۳۹۵). «بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر نگرش، گرایش و عدم مشارکت خانواده‌ها به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی در هشت شهر جمهوری اسلامی ایران». توسعه آموزش جندی شاپور. دوره ۷، ویژه‌نامه، صص ۴۲-۵۲.
 - Aman, MS. (2009). "Sport for All and Elite Sport: Underlining Values and Aims for Government Involvement via Leisure Policy". European Journal of Social Sciences, Vol. 9, No. 4.
 - Cuskelly, G. (2008). "Volunteering in community sport organization: Implications for social capital". In Nicholson, M., & Hoye, R. (Eds). *Sport and social capital*. 1st Ed(Amsterdam: Butterworth-Heinem
 - Eberth, B. and Smith, MD. (2010). "Modelling the participation decision and duration of sporting activity in Scotland". *Economic Modelling*, 27: 822-834.

- Eime, RM. Charity, MJ. Harvey, JT. And Payne, WR. (2015). **“Participation in sport and physical activity: associations with socio-economic status and geographical remoteness”**. Eime et al. BMC Public Health. 15:434.
- Floud, S. Balkwill, A. Canoy, D. Reeves, G K. Green, J. Beral, V & Cairns, B. J. (2016). **“Social participation and coronary heart disease risk in a large prospective study of UK women”**. European Journal of Preventive Cardiology, 23(9): 995–1002.
- Frawley, S., Veal, A. J., Cashman, R., and Toohey, K. (2009). **“Sport for All’ and Major Sporting Events: Introduction to the Project”**. School of Leisure, Sport and Tourism Working Paper 5, Sydney: UTS, 15.
- Jones ,Robert and Noble, Gary. (2007). **“Grounded theory and management research: a lack of integrity?”**. Qualitative Research in Organizations and Management: An International Journal. Vol. 2 Issue: 2, pp.84-103, [https:// doi. org/ 10.1108/ 17465640710778502](https://doi.org/10.1108/17465640710778502).
- Kylie Ball et al. (2010). **“Love the neighbor? Associations of social capital and crime with physical activity amongst women”**. Social Science & Medicine, 71, pp: 807-814.
- Lina, S., Ruixue, C. (2012). **“Research Status on Equalization of Public Sports Service for Nationwide Fitness in Hebei”**. International Conference on Solid State Devices and Materials Science, 25, 2298 – 2303.
- Qin, J., Theis, K.A., Barbour, K.E. (2015). **“Impact of arthritis and multiple chronic conditions on selected life domains — United States”**. MMWR Morb. Mortal. Wkly Rep. 64 .21., 578–582.
- Prins, Richard G. Mohnen, Sigrid M. van Lenthe, Frank J. Brug, Johannes & Oenema, Anke. (2012). **“Are neighbourhood social capital and availability of sports facilities related to sports participation among Dutch adolescents?”**. International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity, Vol.9.90., PP:2-11. <http://www.ijbnpa.org/content/9/1/90>.
- Strauss A & Corbin. J. (1998). **Basics of Qualitative Research: techniques and procedures for developing grounded theory**. 2rd.edition, Thousand Oaks: Sage publications, Inc.
- Weiler, R., Hamer, M., & Stamatakis, E. (2014). **“Watching sport on television, physical activity, and risk of obesity in older adults”**. BMC Public Health, 14(1), 1-4.
- Wicker, P. Hallmann, K. Breuer, C. (2012). **“Micro and macro level determinants of sport participation”**. Sport, Business and Management: An International Journal, 2 (1). 51–68.
- Wicker, P. Hallmann, K. Breuer, C. (2013). **“Analyzing the impact of sport infrastructure on sport participation using geo-coded data: Evidence from multi-level models”**. Sport Management Review, 16. 54–67. [jo u r n a l h o m e p a g e : w w w . e l s e v i e r . c o m / l o c](http://www.elsevier.com/locate/journalhomepage)

ate/s mr.

- Vandendriessche, J. B., Barbara, F.R. Vandorpe., & Roel, V. (2012). “**Variation in Sport articipation, Fitness and Motor Coordination with Socioeconomic Status among Flemish Children**”. *Pediatric Exercise Science*, 24:113-12.
- Vandermeersch, H. Meganck, J. Seghers, J. Vos, S. Scheerder, J. (2017). “**Sports, Poverty and the Role of the Voluntary Sector. Exploring and Explaining Nonprofit Sports Clubs’ Efforts to Facilitate Participation of Socially Disadvantaged People**”. *LSTR. Voluntas*, 28: 307–334.